

یادداشت

چرا پروژه «ایران ضعیف» واقعی نیست؟

سوم، از مجموع تحولات اخیر این‌گونه به نظر می‌رسد که به تعبیر باری بوزان، زیرسیستم امنیتی خاورمیانه به سرعت در حال تغییر مناسبات میان مؤلفه‌های نظم‌ساز خود بوده و نظم جدیدی در این منطقه در حال شکل‌گیری است که هنوز صورتی دقیق نیافته و قضاوت درخصوص ماهیت این نظم هنوز زود است. این روند تحت تأثیر مؤلفه‌های بیرونی و برون‌داده‌های سطح نظام بیش از پیش ماهیت سیال خود را نمایان می‌کند، چنانچه پیروزی دونالد ترامپ تکانه مؤثری در این زمینه به شمار می‌رود. ترامپ با سیاست‌های ملی‌گرایی آمریکایی، یکان سیاست‌های آمریکا را به داخل تغییر وضعیت داده و به دنبال کاهش هزینه‌های بیرونی آمریکا و افزایش توجهات جهانی به آمریکا به‌عنوان یک بازار بزرگ تولیدی و جریان تأمین‌کننده مواد اولیه همچون نفت است. با تمام جهات می‌توان چنین پنداشت‌که امروز پیشروترین منطقه در تعیین ماهیت نظم جهانی، منطقه خاورمیانه است و فرجام رقابت‌های سطح نظام بین‌المللی درون منازعات جاری، به نحوی به دیگر مناطق سیاست جهانی تسری خواهد یافت، بنابراین از این منظر طبیعی است که دایره تنش و منازعه در این منطقه به فراتر از جغرافیای آن گسترش یافته و همین امر بر پیچیدگی روندها به طور قابل ملاحظه‌ای بیفزاید.

چهارم، منابع قدرت ایران اساسا ماهیتی درون‌زا دارد و آنچه میدان تأثیر ایران را تعیین می‌کند، مستقیم به ابتکار عمل‌های ایرانی و استعداد بالقوه آن ارجاع دارد. طبیعی است در چنین هنگامه‌ای سیاست فشار حاکمتری علیه ایران یک برنامه جدی برای مواجهه با ایران باشد. چنانچه دونالد ترامپ نیز اخیرا برخلاف این جریان تحلیلی، اظهار کرد ایران همچنان نقشی تعیین‌کننده داشته و قدرتی قابل‌توجه است و اینکه او هرگز تصویر یک قدرت تضعیف‌شده از ایران را در ذهن ندارد که در مقابل تأکید می‌کند ایران یک بازیگر قدرتمند با توانایی‌های تعیین‌کننده است. بنابراین اولویت اصلی دولت او، محدودسازی ایران از طریق بازگشت به سیاست فشار حداکثری و همراه‌سازی اروپا با آن از طریق فشار بر اروپا به منظور استفاده از مکانیسم ماشه و بازگشت تمام تحریم‌های لغوشده برجامی است. در مجموع نگارنده بر این باور است که پروژه «ایران ضعیف» تنها یک سیاست رسانه‌ای است تا با بهره‌گیری از قدرت برساختی رسانه، عنصر شناخت و نظام ادراکی ایرانیان و نیز حامیان گفتمانی آن را تحت تأثیر قرار دهد تا زمینه را برای پراژشن هرچه بیشتر خط تحریمی در داخل و بیرون فراهم کند.

با این همه باید توجه داشت که چنانچه پیش‌تر و در دیگر تحلیل‌ها بدان تأکید داشته‌ام، قدرت جمهوری اسلامی ایران اصالتا ماهیتی درون‌زا داشته که اصلی‌ترین پایه در این میان، قدرت اجتماعی و استظهار نظام سیاسی به پایگاه مردمی آن است که می‌بایست از آن به طور جد حراست شود. طبعاً اصلی‌ترین تهدید نسبت به قدرت ایران، تضعیف همین پایه مردمی نظام سیاسی است.

نگارنده بر این باور است که عرصه منازعه در جهان پیش‌رو، جنگی از جنس جنگ اراده‌هاست. دقیقا همان تزی که الکساندر دوماروشن در جنگ جهانی چهارم، دهه‌ها قبل مطرح کرده که جنگ جهانی بعدی جنگ روایت‌هاست؛ جنگ عقیده‌هاست؛ عرصه مواجحه حقیقت و واقعیت.

سخن آخر اینکه ابروی قوت تنها از معبر جامعه‌ای قوی و مستحکم، فرهنگی بلنده و روادار، اقتصادی شکوفا و پیشرو و امنیتی پایدار و قابل اتکا می‌گذرد. باید باور داشته باشیم که ایرانیان هیچ دوستی پایدارتر و قابل‌اتکاتر از خود ندارند و در نقطه مقابل، هیچ دشمنی نیز پرحیلت‌تر و مخرب‌تر از چنددستگی و شقاق اجتماعی در داخل نخواهند داشت.

۸ استادیار گروه اندیشه سیاسی در اسلام پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

اشک اروپایی‌ها و فرصت‌سازی از تهدید

به موجب این سیاست که معمولا از آن با نام آمریکا اول (America First) یا به زبان رسمی‌تر، «اولویت‌های آمریکا اول برزیدنت ترامپ» (President Trump America First Priorities) یاد می‌شود، همه چیز باید برای آمریکا بجوشد و اگر جوشد، معلوم است برای چه باید بجوشد. بنابراین اولویت نخست و کلان راهبردی آمریکای ایلان- دونالد (که شاید برای نخستین بار ترکیبی آشکار از دولت پنهان deep state و دولت پیدا است) نمی‌تواند امنیت متحد دیرینه، اروپا، ایجاد صلح در اوکراین، اضیفکردن «ایالت کانادا» به ایالات متحده، تغییر نام خلیج‌ها و کانال‌ها به آمریکا، جنگ تعرفه‌ها و به محاق بردن قواعد ام‌ره و حتی پاک‌سازی قومی فلسطینی‌ها و زدن تاسیسات هسته‌ای ایران و نشاندن اسرائیل بر سریر قدرت منطقه‌ای وو.. باشد که مراد تأمین امنیت خود آمریکاست.

به نظر می‌رسد نیل به کلان راهبرد مورد نظر (تأمین امنیت دائمی و پایدار خود آمریکا) در گرو هماوردی با چین است.

به نظر می‌رسد آمریکا تحت شرایط موجود به جز سیاست تغییر‌ناپذیر حمایت بی‌چون‌وچرا از اسرائیل، رویکرد و خط‌مشی خود را در قبال سایر متغیرهای سپهر سیاست جهانی شناور کرده است. در این شناوری نه دوستی -حتی با قاره سبز که طبعاً تا ابد رابطه‌ای زایشی است- دائمی خواهد بود و نه دشمنی با پوتین -که تا همین یکی، دو ماه گذشته که رئیس جمهوری دیگری بر کشور حکم می‌راند برقرار بود- همیشگی است.

آنچه در این میان جای شگفتی است، این است که چگونه شد که مهد دموکراسی و تکنوکراسی و بوروکراسی (قاره سبز) میانست از امنیت خود را برون‌سپاری کرد و نیازمند ضامن خارجی شد؟!

شاید اروپا نمی‌خواست به محلی‌اش خطور دهد که این فرزند ممکن است ناخلف از آب در آید. اما این هم پذیرفتنی نیست. عالم سیاست عالم ممکنات است. از این رو، هیچ چیزی را نباید غیرممکن پنداشت.

اروپا اگر هم می‌خواهد بهترین روابط را با جونیور خود داشته باشد، لازم است که به امنیت درون‌زا بیندیشد و از ادامه برون‌سپاری دست بردارد. مناسب است اروپا در رویکرد و راهکارهای راهبردی و اجرائی خود بازاندیشی و بازنگری کند و از جمله دست‌به‌بارگیری بزند و دوستان جدیدی برای خود دست و پا کند. این مهم از جمله در سایه دوری از تبعیت از سیاست‌های آمریکا به واسطه نیاز امنیتی به او ممکن است. در این بازیگری، ایران می‌تواند نمونه مناسبی باشد.

در ایران هم ضروری است که اتاق فکر سیاست‌ورزی و دست‌نگاه سیاست خارجی به فکر ترمیم روابط با اروپا و نیز تنظیم روابط با مسکو به ویژه در رابطه با اوکراین باشد. داشتن روابطی متعارف و متوازن با روسیه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر دارد، اما باید به هزینه‌هایی که روابط نه‌چندان متوازن با آن کشور تاکنون برایمان داشته است هم توجه کنیم و به این بیندیشیم که چه تناسبی بین فایده آن روابط با هزینه‌های سنگینی که متحمل شده‌ایم، وجود دارد.

مسکو به اندازه‌ای از قیل ما منتفع شده است که حتی می‌توانیم در جهت رعایت قاعده انصاف از او سهم‌خواهی کنیم. لیکن تا زمان وصول این بستانکاری که البته نامعلوم است، می‌توانیم دست‌کم هزینه‌کرد بیش از این را متوقف کنیم. در هنگامه‌ای که آمریکا شاید هم به ناقح و به نادرستی دارد برای پیشبرد کلان راهبردش حتی از متحد راهبردی خود مایه می‌گذارد و هزینه می‌کند، ما قطعاً حق داریم موانع عادی‌سازی روابطمان با دنیای غرب و حل مشکلات هسته‌ای را از سر راه برداریم، اگر در جهت تحقق این امر روس‌ها مانع‌تراشی کرده باشند، که ظاهراً کرده‌اند، نباید به هر دلیلی استثنا قائل شویم و مانع را از سر راه برداریم.

حفظ کبان کشور و دفاع بحق از منافع ملی، واجب‌ترین واجبات است.



نشست مهم آمریکا و روسیه درباره جنگ اوکراین که از سوی مسکو «سیار حیاتی» توصیف شده، روز گذشته در کاخ الدرعیه در شمال غرب ریاض برگزار شد. مارکو روبریو، وزیر امور خارجه آمریکا و سرگنی لاوروف، وزیر خارجه روسیه که روز گذشته وارد ریاض شده بودند، بدون هیچ‌گونه اظهارنظری در این نشست شرکت کردند. همچنین فیصل بن‌فرحان، وزیر خارجه عربستان و مساعد العیան، وزیر مشاور، در این مذاکرات حضور داشتند. قرار است ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، امروز در یک سفر رسمی که از مدت‌ها پیش برنامه‌ریزی شده بود، وارد عربستان شود. با این حال، سخنگوی او اعلام کرد زلنسکی قصد ندارد با مقامات روس یا آمریکایی دیدار کند. در

همین حال، کیریل دیمیتریف، رئیس صندوق ثروت ملی روسیه، بر اهمیت بالای این نشست تأکید و ابراز امیدواری کرد آمریکا در مذاکرات مربوط به اوکراین به موضع روسیه توجه کند.

عربستان سعودی تاکنون در جنگ روسیه و اوکراین موضعی بی‌طرف اتخاذ کرده و تلاش داشته است زمینه‌ای برای گفت‌وگو و حل بحران فراهم کند. این کشور در کنار امارات، در روند تبادل اسرا میان اوکراین و روسیه نقش آفرینی کرد. علاوه‌براین، در آگوست ۲۰۲۳، ریاض میزبان مذاکرات درباره جنگ اوکراین بود که نمایندگان آن بیش از ۴۰ کشور در آن شرکت داشتند، اما روسیه در آن مذاکرات حضور نداشت.

وزارت خارجه آمریکا روز گذشته اعلام کرد ایالات متحده و روسیه توافق کرده‌اند برخی از «نقاط تنش» در روابط دوجانبه را بررسی کرده و روندی را برای پایان‌دادن به جنگ روسیه در اوکراین آغاز کنند. با این حال، این وزارتخانه تأکید کرد این تلاش‌ها در مراحل اولیه قرار دارد. تامی بروس، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، پس از خاتمه نشست ریاض گفت: «یک تماس تلفنی و یک نشست کافی نیست تا صلحی پایدار برقرار شود».

در همین حال، یوری اوشاکوف، مشاور سیاست خارجی رئیس‌جمهور روسیه، پس از پایان مذاکرات اعلام کرد مذاکرات چهار ساعت و نیمه بین روسیه و آمریکا موفقیت‌آمیز بوده است. به گزارش خبرگزاری تاس، اوشاکوف گفت دو طرف درباره شرایط دیدار میان ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، گفت‌وگو کرده‌اند.

او همچنین افزود دیدار بین پوتین و ترامپ بعید است هفته آینده برگزار شود و تاکنون تاریخ مشخصی برای این نشست تعیین نشده است.

کرملین اعلام کرد تصمیم اوکراین برای پیوستن به اتحادیه اروپا یک حق حاکمیتی است و مسکو قصد ندارد در این مورد دخالت داشته باشد. دیمیتری سِکوف، سخنگوی کرملین، در یک نشست خبری گفت عضویت در این بلوک، «حق حاکمیتی هر کشوری» است. او افزود: «ما در مورد

آغاز روند تنش‌زدایی آمریکا و روسیه در میان سردرگمی اروپا

گام اول در ریاض، شکاف در پاریس



فرایندهای یکپارچگی و ادغام اقتصادی صحبت می‌کنیم. در این زمینه، هیچ کشوری نمی‌تواند برای کشور دیگر تعیین‌تکلیف کند و ما نیز چنین قصدی نداریم». با این حال، سِکوف تأکید کرد موضع روسیه درباره پیوستن اوکراین به ائتلاف‌های نظامی متفاوت است. او گفت: «در مسائل امنیتی و موضوعات مربوط به دفاع یا اتحادهای نظامی، موضع کاملاً متفاوتی وجود دارد».

از سوی دیگر، رئیس‌جمهور اوکراین بر اهمیت تمامیت ارضی کشورش تأکید کرد و بار دیگر بر درخواست اوکراین برای دریافت تضمین‌های امنیتی پای فشرد. به گزارش میزبان مذاکرات دولتی ترکیه، ولودیمیر زلنسکی گفت: «ما به‌عنوان یک کشور خواهان صلح هستیم. ما می‌خواهیم جنگ پایان یابد. اما پایان این جنگ باید برپایه تضمین‌های امنیتی مشخصی باشد».

زلنسکی این سخنان را در مراسم افتتاح ساختمان جدید سفارت اوکراین در آنسکارا و پیش از دیدار با رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، بیان کرد. او گفت: «ما انتظار داریم این تضمین‌های امنیتی از سوی آمریکا، اتحادیه اروپا، ترکیه و کل اروپا ارائه شود. ما هرگز، تحت هیچ شرایطی، سرزمین‌های موقتاً اشغال‌شده خود را به عنوان بخشی از روسیه به رسمیت نخواهیم شناخت. این سرزمین‌ها بخشی از اوکراین هستند».

کیریل دیمیتریف، رئیس صندوق ثروت ملی روسیه در آستانه مذاکرات، دونالد ترامپ را «حلال مشکلات» توصیف کرد:

«ما واقعا معتقدیم رئیس‌جمهور ترامپ و تیم او، حلال مشکلات و مسائل هستند؛ افرادی که تاکنون به‌سرعت، با کارایی بالا و با موفقیت چالش‌های بزرگی را حل کرده‌اند». دیمیتریف که تحصیلات خود را در آمریکا گذرانده و در گذشته در بانک گلدمن ساکس فعالیت داشته، نقش مهمی در برقراری ارتباطات اولیه بین مسکو و واشنگتن در دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ (۲۰۱۶–۲۰۲۰) ایفا کرده است. به نشست ریاض گفت: «باید در نظر داشت کسب‌وکارهای آمریکایی از خروج از روسیه حدود ۳۰۰ میلیارد دلار ضرر کرده‌اند. بنابراین تأثیر اقتصادی عظیمی



بر بسیاری از کشورها گذاشته شده و ما معتقدیم مسیر آینده باید بر پایه راه‌حل‌ها باشد».

این مذاکرات در حالی انجام می‌شود که رهبران اروپایی روز دوشنبه در پاریس گرد هم آمدند تا درباره یک استراتژی مشترک توافق کنند. آنها از فشار ترامپ برای آغاز فوری مذاکرات در مورد اوکراین که پس از تماس تلفنی او با پوتین در هفته گذشته انجام شد، غافلگیر شدند. رهبران اروپایی اعلام کردند سرمایه‌گذاری بیشتری در حوزه دفاعی انجام خواهند داد و نقش رهبری را در ارائه تضمین‌های امنیتی به اوکراین بر عهده خواهند گرفت.

دیگ شوف، نخست‌وزیر هلند، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: همه بر مخاطرات و فوریت وضعیت واقف‌اند. در این لحظه حساس برای امنیت اروپا، باید همچنان پشت اوکراین بایستیم. اروپا باید سهم خود را در تأمین امنیت در هرگونه توافق ایفا کند و همکاری با آمریکا در این زمینه ضروری است».

در همین حال، رهبران اروپایی در نشست پاریس بر ضرورت افزایش بودجه دفاعی این قاره و همچنین لزوم ضمانت امنیتی آمریکا تأکید کردند. نشست پاریس با حضور چند نفر از رهبران اروپا برگزار شد و اندکی پیش از آن رئیس‌جمهور فرانسه با همسای آمریکایی خود تلفنی گفت‌وگو کرد. به گزارش آسوشیتدپرس، دفتر امانوئل مکرون جزئیاتی از مکالمه ۲۰دقیقه‌ای او با دونالد ترامپ را منتشر نکرده است.

همچنین کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا، در پیامی

ویدئویی تأکید کرد تضمین امنیتی ایالات متحده تنها راه مؤثر برای بازداشتن روسیه از حمله مجدد به اوکراین است. استارمر که پیشینه‌اد اعزام صلح‌بان‌های اروپایی به اوکراین را مطرح کرده است، بر ضمانت امنیتی آمریکا در توافق صلح اوکراین تأکید کرد. پیشنهاد اعزام صلح‌بان‌های اروپایی به اوکراین یک روز پیش‌تر از سوی نخست‌وزیر بریتانیا مطرح شد و حاضران در نشست پاریس مواضع متفاوتی به آن نشان دادند. جان هیلسی، وزیر دفاع بریتانیا هم گفت قطع همکاری می‌تواند بازدارندگی ایجاد کند و

پوتین را از حمله دوباره به اوکراین بازدارد. صدراعظم آلمان و نخست‌وزیر ایتالیا این پیشنهاد را «بسیار نامناسب در زمان فعلی» و یکی از «بیچیده‌ترین و شاید کم‌تأثیرترین فرضیه‌ها» خواندند. با این حال مته فردرکسن، نخست‌وزیر دانمارک، گفت: «متأسفانه روسیه اکنون تمام اروپا را تهدید می‌کند». شرکت‌کنندگان در نشست پاریس بر سر موضوع افزایش هزینه‌های دفاعی اروپا دیدگاه‌های نزدیک‌تری داشتند و با افزایش رقم این هزینه‌ها به بالاتر از دو درصد از تولید ناخالص داخلی موافق بودند. همچنین به نوشته آسوشیتدپرس، سران برخی از کشورهای اتحادیه اروپا که به نشست پاریس دعوت نشده بودند، از جمله رهبران مجارستان، اسلووونی و اسلواکی، به‌شدت از این موضوع انتقاد کردند.

تهران باید فوری تصمیم‌گیری کند



ک شما منکر این نکته تاریخی هستید؟

مسئله انکار این موضوع نیست، مسئله این است که اکنون باید مقامات کشور بر این موضوع هم اشراف داشته باشند و به نظر من مقامات هم این مسئله را در نظر دارند. کم‌اینکه من معتقدم حتی خود روس‌ها هم به این بدبینی ایران واقف‌اند؛ همچنان که مصاحبه سفیر روسیه در ایران با واکنش‌های منفی بسیاری همراه شد.

ک حالا که احتمال می‌دهید روسیه هم بخواهد یا بتواند از موقعیت ایران در برابر ترامپ استفاده کند و با نظر گرفتن اینکه در دور جدید مناسبات پوتین و ترامپ اروپا جایگاهی ندارد، آیا قاره سبز هم سیاست‌های خود را در مقابل ایران عوض خواهد کرد؟

آمریکا خطرناک است و بعید به نظر می‌رسد که بخواند از برخی اقدامات خود در این رابطه چشم‌پوشی کند، اما امکان دارد اروپایی‌ها هم به دلیل حذف خودشان از معادلات جنگ اوکراین بخواهند با کارت ایران در برابر آمریکا بازی کنند؟

این مسئله تا حد بسیار زیادی به نحوه پایان‌دادن جنگ اوکراین بازمی‌گردد؛ چون طبق توافقات قرار است نیروهای اروپایی و مشخصاً نیروهای فرانسوی، لهستانی و انگلیسی به عنوان نیروهای حافظ صلح و نیروهای حائل بین نیروهای اوکراینی و نیروهای روسی عمل کنند. فرانسه به این دلیل که خود امانوئل مکرون گفته بود قرار است نیروهایش را به اوکراین اعزام کند، لهستان به این دلیل که جدی‌ترین متحد اوکراین در شرق اروپاست و در حال نوسازی ارتش خود است، بریتانیا هم به این دلیل که اگر چه از اتحادیه اروپا خارج است، اما قوت‌ترین ارتش اروپایی ناتو به شمار می‌رود. تابه‌الآن لهستان اعزام نیرو به اوکراین را رد کرده است و به‌جای آن آمریکایی‌ها اعلام کردند که حاضرند حمایت هوایی خود را داشته باشند. پس اینجا مسائل ابهامات و موانع برای رسیدن به صلح در اوکراین و پایان جنگ بسیار زیاد است. ضمن آنکه تنش روسیه و غرب چیزی نیست که به این زودی‌ها تمام شود.

ضمن اینکه در مقابل، پوتین هم بارها عنوان کرده که اروپا در حال زوال و افول قدرت است و باید در برابر روسیه کرنش نشان دهد. پس اگر واقعا مناسبات پوتین و ترامپ برای پایان‌دادن به جنگ اوکراین به نتیجه برسد، بروی به نوعی آمریکا مشروطیتی به سیاست‌های پوتین داده است و این جسارت دیگری به روسیه برای تجاوزات بعدی خواهد داد. کم‌اینکه روسیه مشکلات جدی با کشورهای حوزه باتلیک یعنی استونی و لتونی و لیتوانی دارد. لذا اروپا نگران آن است که مشروطیت‌دادن به این تجاوزات پوتین در اوکراین از جانب دونالد ترامپ، فضا برای حملات دیگر روسیه علیه دیگر کشورها را فراهم کند و با جسارت بیشتر امنیت و تمامیت ارضی اروپا را تهدید کند.

ک در این بین سیاست تهران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ تهران باید به شکل مستقیم و مستقل پرونده خود را با غرب حل کند یا باید منظر حل‌وفصل تمام این معادلات باشد؟

گزارش

احتمال باقی‌ماندن روسیه در سوریه

روسیه احتمالاً حضور نظامی کاهش‌یافته‌ای را در سوریه حفظ خواهد کرد و به یکی از اهداف کلیدی ولادیمیر پوتین پس از سقوط بنشار اسد که از او حمایت می‌کرد، دست خواهد یافت. به گفته برخی منابع، مسکو در آستانه توافقی با دولت جدید سوریه است که به آن اجازه می‌دهد بخشی از نیروها و تجهیزات خود را در این کشور نگه دارد. این افراد که نخواستند نامشان فاش شود –زیرا مجاز به صحبت علنی در این مورد نبودند- اظهار کردند روسیه امیدوار است پایگاه‌های هوایی و دریایی خود را در سوریه حفظ کند. این پایگاه‌ها همان‌هایی هستند که مسکو از آنها استفاده می‌کرد تا زمانی که احمد الشرع، رئیس‌جمهور کنونی سوریه، سال گذشته در پی یک حمله گسترده بشار اسد را سرنگون کرد. به نوشته اکوایران و وراساس گزارش بلومبرگ، دیمیتری سِکوف، سخنگوی کرملین، به درخواست اظهارنظر پاسخ نداد. همچنین امکان تأیید فوری این اطلاعات از مقامات دولت انتقالی سوریه وجود نداشت. هیچ تضمینی وجود ندارد که مذاکرات جاری به توافقی نهایی منجر شود، اما اولین تماس تلفنی میان رئیس‌جمهور سوریه و پوتین در روز چهارشنبه نشان‌دهنده پیشرفت در این زمینه است.
نهایی‌شدن این توافق، دومین پیروزی بزرگ سیاست خارجی روسیه در ماه جاری و پس از آن خواهد بود که ایالات متحده اعلام کرد مذاکرات صلح با مسکو را درباره نحوه پایان جنگ اوکراین آغاز خواهد کرد.

این تحولات همچنین نشان می‌دهد مسکو در حال بهبود روابط خود با حاکمان جدید سوریه است. اسد، دشمن سرسخت آنها، فقط به لطف حمایت بی‌قیدوشرط روسیه توانست جنگ داخلی سوریه را پشت سر بگذارد، اما اکنون در مسکو پناه گرفته است.

به گفته منابع، روسیه می‌تواند در مبارزه با داعش که در شرق سوریه فعال است، مشارکت کند. یکی از این منابع نیز اظهار داشت ادامه حضور روسیه می‌تواند به دولت جدید سوریه کمک کند تا نفوذ فرانیزه ترکیه را متعادل کند. بسیاری از مقامات اروپایی خواهان خروج نیروهای روسیه از سوریه بودند، اما برخی دیگر، به‌ویژه در اروپای جنوبی، نگران بودند اگر مسکو پایگاه‌های دریایی و هوایی خود را در سوریه از دست بدهد، تمرکز خود را به لبی معطوف کند. مسکو پایگاه نظامی روسیه در سوریه امکان نفوذ این کشور را نه‌تنها در خاورمیانه، بلکه در آفریقا نیز فراهم کرده‌اند. از دست‌دادن آنها می‌تواند شکست بزرگی برای کرملین باشد.

از زمان سقوط اسد، چندین قدرت برای افزایش نفوذ خود در سوریه رقابت کرده‌اند. ایران و روسیه که حامیان اصلی اسد بودند، نفوذ خود را از دست داده‌اند اما ترکیه، قطر و عربستان سعودی روابط محکمی با احمد الشرع برقرار کرده‌اند. آنکارا از نیروهای همسو در شمال سوریه حمایت می‌کند و در حال بررسی احداث پایگاه‌های نظامی در این منطقه است. در همین حال، دوحه و ریاض احتمالاً بخشی از بازسازی این کشور جنگ‌زده را تأمین مالی خواهند کرد. تلاش‌های مسکو برای دستیابی به توافق با احمد الشرع برای حفظ پایگاه دریایی طرطوس – که قبلاً بندر روسیه در مدیترانه- و پایگاه هوایی حمیمیم در نزدیکی آن، در ماه ژانویه با مشکل مواجه شد. در واکنش به این نرسبت، پوتین تمایل خود را برای مشارکت در بازسازی سوریه نشان داد.

برگ سبز و کارت خودروپراید جی تی ایکس آی رنگ نوک مدادی متالیک مدل ۱۳۸۸ به شماره پلاک ایران ۵۵- ۸۷۷ س ۱۷ و شماره موتور ۲۹۷۹۵۳۴ و شماره شاسی S1412288277478 به نام مریم اعلائیان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودروسایبیا131EX1 رنگ سفید شبری روغنی مدل ۱۳۹۲ به شماره پلاک ایران ۷۷- ۷۳۵ ق ۱۲ و شماره موتور ۴۹۲۶۹۷۰ و شماره شاسیNAS411100D1277136 به نام قاسم اعتمادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.